

## بحران هویتی کشور عزیز ما و آسیب‌های ناشی از آن

### ستاندردهای دوگانه و عیار نمودن زندگی بایبدها و نبایبدها

### آفت‌شناسی سیاسی و چگونگی پیامدهای در شرف تکوین

احترام بقوی و ترحم در قبال ضعیف و نحوه و چگونگی برطرفی معضل تحول  
ایجاد ثبات سیاسی و اماواگرهای نحوه بازسازی کشور عزیز ما افغانستان  
فاکتورهای امنیتی میهن ما افغان‌ها و اهداف توسعه‌ی پایدار  
شکست سیاسی تاریخ ندارد

در تعریف بحران هویت گفته شده: "بحران هویت هنگامی بروز می‌کند که شهروندان یک کشور بجای وفاداری به دولت ملی و احساس تعلق به مجموعه یکپارچه‌ای بنام ملت، در دایره تعلقات قومی، نژادی و محلی قرار می‌گیرند." بر بنیاد تجزیه و تحلیل‌هایی، بحران هویت به فرهنگ‌نخبگان (نخبگان حکومتی و غیرحکومتی) و توده شهروندان، بگونه احساسات ملی در سرزمین خویش ارتباط می‌یابد که رفته رفته، تعارض میان وفاداری قومی و تعهدات ملی را تشدید نموده و مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی شهر و ندان پدید می‌آورد. منابع عمده بحران هویت، ارزشهای قومی، زبانی، نژادی، مذهبی، بومی و منطقه‌ی است. وقتی در جامعه‌ای، گروه یا گروهایی خویش را از مواهب جامعه محروم شده دیدند یا نظام سیاسی ملی را در حق خود برخوردار از نگرش تبعیض آمیز احساس نمودند و یا بدلیل تغییرات و تحولات شدید در عرصه جهانی و منطقه‌ای، اهداف و منافع خود را با اهداف و منافع دولت ملی در تعارض و تناقض دیدند، آنزمان این خطر وجود دارد که آن گروه‌ها از فرهنگ حاکم و دولت حاکم جدایی اختیار نمایند و اجازه دهند تمایلات خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنان بر فرهنگ عمومی جامعه غلبه کند. از آنجاکه عناصر تشکیل دهنده هویت "سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک" می‌باشد، لذا هویت را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میتوان مورد کنکاش قرار داد. بسخن دیگر، مؤلفه‌های بحران در سه حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قابل طرح بوده که چند وجهی بودن آنرا نشان میدهد. بر این بنیاد، بمنظور درمان بحران هویت در یک جامعه می‌بایست به کند و کاو راهکارهای حوزه‌های فوق‌الذکر توجه ویژه شود. پژوهش‌هایی که بمسأله بحران هویت و نمونه آن در عرصه‌های مختلف خواهد پرداخت. ضمن ارائه تعاریف گوناگون از بحران، بحران هویت در عرصه‌های مختلف بررسی و مطالعه می‌گردد.

در سرآغاز مبحث حاضر، بيمورد نخواهد بود تا قبل از طرح سایر مسایل موجود، در مورد توافقنامه‌ای که در دوحه مرکز قطر با حضور داشت نماینده‌های حدودن سی کشور و برخی از دسته‌بندی‌های رادیکال و موجودیت سرمنشی سازمان ملل بمنظور نقطه پایان گذاشتن به درگیری‌های مسلحانه ۲۰ساله ایالات متحده و هم پیمانانش که با هزینه نمودن میلیاردها دلار و کشته و مجروح گردیدن نظامیان افغان و خارجی و بخاک و خون افتادن افراد و اشخاص ملکی کشور ما منجر گردید، مسایل و موضوعاتی را مطرح بحث و مذاکره قرار دهیم. قابل تذکر پنداشته می‌شود که دولت افغانستان در امتداد دوده‌متوالی بمنظور دفاع از خود در قبال مخالفان سیاسی، بقدرت و توانایی‌های ایالات متحده متکی بود. ناتو در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، بگونه رسمی و در مجموع، به عملیات رزمی زمینی در اراضی متعلق بکشور عزیز ما نقطه پایان گذاشته، بیشترین بخش نظامیان امریکایی اراضی کشور ما را ترک نموده و عملکرد آنها تنها به پشتیبانی و حمایت‌های هوایی از قوت‌های مسلح افغان محدود گردید. اما تذکر این مسأله را نباید فراموش نمود که حصول و دستیابی بتوافق دوجانبه "طالب"ها با دونالد ترامپ رئیس جمهور آنزمان ایالات متحده بگونه خود جوش نبوده بلکه نتیجه تلاش و کوشش‌های فراوانی بمنظور دستیابی به سازش‌های دوجانبه پنداشته می‌شود.

مذاکرات و گفتگوهای سال ۱۳۹۳ خورشیدی، پس از کشته شدن ملا محمد عمر رهبر "طالب" ها که باصل ملاقات و گفتگوها باورمند بوده و در زمینه موافقت نموده بود، جابجا متوقف گردید. غامض بودن مذاکرات یادشده، قبل از همه در این امر نهفته بود که "دفتر سیاسی امارت اسلامی افغانستان" در مذاکرات یاد شده، نه نشاندهنده موقف آنها و نه منعکس کننده موضعگیری "طالب" ها، بمثابة یک کل که از ساختار شبکه بی پیچیده ای برخوردار می باشند، پنداشته نمی شد. در این میان بخاطر ما باشد که گروهی از "طالب" ها طرفدار جدی راه اندازی مذاکرات بوده و اما در مقابل، عده دیگری از آنها مخالف اصل گفتگو و مذاکره و مصالحه بودند.

در امتداد سال ۱۳۹۷ خورشیدی، مرحله اصلی و عمده گفتگوها میان "طالب" ها و نماینده های دولت ایالات متحده برای چندین ماه متوالی در دوحه ادامه یافت. پس از هشت دور مذاکرات و گفتگوهای دوجانبه، طرح پیش نویس صلح مورد توافق طرف های یادشده قرار گرفت. در وضعیت اینچنینی، در امتداد ماه سنبله، پس از انجام یک سلسله عملیات تروریستی در کابل و تعدادی از شهرهای دیگر کشور که منجر به کشته شدن نظامیان امریکایی گردید، دونالد ترامپ دستور توقف مذاکرات با "طالب" ها را ابلاغ نموده و امضای توافقنامه حاصله را نیز لغو نموده و باطل شده اعلام نمود.

در ماه های پسین سال ۱۳۹۹ در دوحه، طرف های یادشده توافق نمودند که با توقف خشونت جنگجویان طالب در قبال نظامیان امریکایی و قطع رابطه "طالب" ها با "القاعده" و سایر گروه های تروریستی، ورود به مذاکرات صلح، نظامیان امریکایی در امتداد زمانی ۱۴ ماه اراضی متعلق با افغانستان را ترک خواهند نمود. با در نظر داشت وضعیت اینچنینی، بسیاری از ناظران، توافقنامه یادشده را بویژه برای شخص دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده مملو از خطر پنداشته که در نوع خود، چالش هایی برای نامبرده در پی خواهد داشت. زیرا چنین امری سبب سازمشر و عیت بخشیدن به "طالب" ها توسط جامعه جهانی می گردید. اما نباید فراموش نمود که توافق متذکره برای میلیون ها تن از شهروندان کشور بویژه پس از چهل سال بمثابة فرصتی بمنظور اعاده صلح و تداوم زندگی مسالمت آمیز و فارغ از درگیری های مسلحانه پنداشته می شد.

این مسأله را نباید هیچگاهی فراموش نمود که با ادامه چندین دهه نا آرامی، اصل جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور، گویی به بخش جدایی ناپذیر حیات شهروندان کشور ما مبدل گردید، چه، شهروندان میهن عزیز ما بصراحت اظهار می نمودند که تمامی آرزومندی ها و خواست های قلبی شان در این امر خلاصه می گردد تا در دنیای فارغ از جنگ و عاری از موجودیت سلاح و بمب و باروت و خمپاره و بدور از هرأس بخاک و خون افتادن فرزندان و نوباوگان شان حیات بسربرند.

بر بنیاد توافقنامه مورخ ۱۰ ماه حوت سال ۱۳۹۸ در دوحه، نظامیان امریکایی الی ماه سنبله سال یادشده بایست اراضی کشور ما را ترک می نمودند. بنابراین، واشنگتن از ماه اسد سال یادشده، به فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما مبادرت ورزید.

در این مقطع پرسشی با تمام اهمیتی که دارد باین شرح مطرح می گردید آیا توافق ایالات متحده و "طالب" ها سبب ساز ایجاد و استقرار صلح در سرزمین کشور عزیز ما خواهد گردید؟

در این مورد قابل یاددهانی پنداشته می شود که در کنار موجودیت سایر موارد مطرح، هم "طالب" ها و هم واشنگتن، بنحوه ماهرانه ایی در تخته بازی شطرنج حوادث و درگیریهای کشور ما مسابقه هایی را پشت سر گذاشته اند. رسانه های امریکایی بتاريخ ۲۸ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی گزارش گونه هایی مبنی بر این واقعیت را بنشر سپردند که گویا اندکی قبل از تصرف کابل توسط جنگجویان، "طالب" ها با ایالات متحده در مورد انجام معامله های محرمانه ای موافقت نمودند. بخاطر ما باشد که جمله موارد معامله یادشده یکی هم قطع پشتیبانی هوایی از نیروهای مسلح دولتی در امر مبارزه با "طالب" ها را می توان نام برد.

بتاریخ ۳۱ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، گزارش هایی مبنی بر توافقات پشت پرده امریکایی ها با "طالب" ها بنشر رسید که در واقع، در بدل حفظ نفوذ ایالات متحده، حاکمیت سیاسی کشور ما به گروه یادشده تفویض گردید. گفته می شود که پنتاگون به "طالب" ها قول داده بود که از حمایت های هوایی قوت های مسلح کشور ما خودداری بعمل آورد.

آیا می توان مدعی گردید که درگیری های مسلحانه دودهه پسین با پیروزی و فراز آمدن "طالب" ها بقدرت به پایان رسید؟

با اهتزاز بیرق "طالب" ها بر فراز مراکز عمده قدرت، رئیس جمهور اشرف غنی با هوأپیمای از قبل تعیین شده و حاضر

وآماده، پابفرار گذاشته، قوت‌های مسلح کشور که توسط امریکایی‌ها آموزش دیده و با سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته مسلح و مجهز بودند، نیز بدون درگیری مواضع شان را رها نموده و بهر سو متواری گردیدند. بگفته کارشناسان نظامی، "طالب"ها، تسلیحات و مهمات جنگی امریکایی بارزش مجموعی ۸۵ میلیارد دالر، بیش از ۷۵ هزار وسیله نقلیه، ۲۰۰ بال هوآپیما و چرخبال، ۶۰۰ هزار میل سلاح سبک، یونیفورم، تجهیزات ویژه و وسایل و موارد پزشکی را تصاحب نموده و بدست آوردند.

اما این پرسش ذهن همه شهروندان کشور را بخود مشغول نگهمیدارد که با اینهمه، چرا و بر بنیاد کدام واقعیت‌ها قوت‌های مسلح کشور، بدون مقاومت و ایستادگی، مواضع شان را یکی پی دیگری تسلیم نمودند؟ بادر نظر داشت واقعیت‌های سرسخت موجود بایست گفته شود که تنها این ایالات متحده نبود که با همه ادعاهایش، بمتابه شکست خورده، از اراضی متعلق بکشور عزیزما پابفرار گذاشت، بلکه در سال ۱۲۲۰ خورشیدی، نخستین جنگ از مجموع چهار جنگ بریتانیا علیه کشورما با فاجعه برای انگریزها به پایان رسید. از مجموع ۴۵۰۰۰ تن نظامیان آن کشور، صرف بتعداد ۱۰۰۰ تن جان سالم بدر بردند.

امپراتوری بریتانیا که خورشید در قلمروش غروب نمی‌کرد، در امتداد زمانی ۳۸ سال تمام، جنگ غیر عادلانه و نا مؤلفی را علیه شهروندان کشورما براه انداخته و در نهایت امر، بگونه تحقیر آمیزی سرزمین و اراضی کشور عزیز ما را ترک نموده و پاراده و خواست آزادیخواهی آنها گردن نهاد. نظامیان شوروی پس از تقریب ده سال جنگ و درگیری‌های مسلحانه از سرزمین کشورما عقب نشینی نموده و بسرزمین اصلی شان فرا خوانده شده و کشورما را ترک نمودند. اما پس از فراخواندن نظامیان یادشده بکشورشان، آتش درگیری‌های مسلحانه از هر جانی در میهن عزیزما شعله ور گردیده و افغانستان عزیز را بویرانه ای مبدل نمود. در نهایت امر، این نظامیان ایالات متحده بودند کازچشیدن طعم شکست در کشورما نیز بی نصیب نمانده و پس از ۲۰ سال جنگ و تداوم درگیری‌های مسلحانه ناگزیر به ترک کشورما گردیدند. ببینید، ابر قدرت‌ها تاکنون نیز نیاموخته اند که فرهنگ قبیله‌یی در افغانستان متلاشی شده، بگونه انعطاف پذیری، اصل شکست ناپذیری توده‌های میلیونی شهروندان تحت ستم کشورما را بنمایش گذاشت.

نباید فراموش خاطرما شود که در روند آموزش و انجام تعلیم و تربیه نظامیان کشورما، بویژه توسط مشاوران و متخصصان غربی، رویکرد سیستماتیک اصلن وجود نداشت. بر بنیاد اعتراف‌های رابرت گیتس، وزیر دفاع سابقه ایالات متحده، نظامیان پنتاگون دایمن و بگونه همیشگی به تغییر و تبدیل آن‌عه از افرادی که مسؤل پیشبرد و ادامه آموزش‌های نظامی‌های افغان بودند، همچنان ادامه دادند، آنها هر کدام بروش و شیوه‌های منحصر بفردشان به پیشبرد امور تدریسی و ارائه آموزش‌های نظامی برای منسوبان قوت‌های مسلح کشورما می پرداختند. شیوه و برنامه واحد از قیل تهیه و تدوین شده بمنظور انجام امور فوق اصلن وجود نداشت. وجوه اشتراک آنها بعوض بررسی نقاط ضعیف و قوی نظامیان کشورما، در تعقیب کورکورانه روش‌های مورد پسند غربی، خلاصه می‌گردید. اما بخاطرما باشد که موجودیت فساد گسترده افسران و بلند پایه‌های نظامی، بگونه مستقیمی بر روحیه رزمی و ضعف انضباط و چگونگی کارایی‌های رزمی اثرگذار واقع گردید. عده ای از آنها به ستیزه جویان و مخالفان مسلح سلاح و مهمات حربی فروختند، سربازان خیالی صرف در روی کاغذ باقی مانده و وجوه اختصاص داده شده به نظامیان خیالی نیز حیف و میل می‌گردید.

فساد گسترده نه تنها میان نظامیان افغان، بلکه در میان همقطاران امریکایی آنها نیز ابعاد فوق العاده وسیعی بخود اختیار نمود. بگونه نمونه به نقل از "دیلی میل" در امتداد سال ۱۳۸۸ خورشیدی، یک مرکز فرماندهی بارزش ۳۶ میلیون دالر در ولایت هلمند ایجاد گردید، اما بدلائل مشخصی، ساختمان و تأسیسات یادشده هرگز به بهره برداری سپرده نشد.

بررسی‌ها در مورد سواستفاده و تاراج دارایی‌های اختصاص یافته عملن باثبات رسانید که صرف در امتداد سال‌های ۱۳۸۷ - ۱۳۹۷، مبلغ ۱۹ میلیارد دالر، سرقت شده و بر بنیاد گزارش سال ۱۳۹۸ خورشیدی توسط بنیاد آموزش اقتصادی، ۳۰ درصد از مجموع بودجه اختصاص داده شده بمنظور کمک به قوت‌های مسلح کشورمورد سواستفاده قرار گرفته و حیف و میل گردید.

یکشنبه